

« بسته موفق توانایی مربی را افزون می‌سازد



سه عنصر کلیدی دانش، مهارت و نگرش، چه تاثیری در کار یک مربی پیش دبستان دارد و او را از کجا تا به کجا می‌رساند؟

پاسخ این پرسش، همچون مسیری روشن و درخشان، زمینه‌ساز موفقیت ما خواهد بود.
۱. دانش:

● مربی پیش دبستان باید دانش کافی در زمینه‌های رشد و تکامل کودکان، برنامه‌های تربیت و یادگیری، روش‌های ارتباطی و مدیریت کلاس خود را داشته باشد. این دانش به مربی کمک می‌کند تا نیازها و ویژگی‌های کودکان را درک کرده و برنامه‌های مناسب را طراحی و اجرا نماید.
۲. مهارت:

● مربی باید مهارت‌های عملی لازم برای اجرای موفق برنامه‌هایش را داشته باشد. مهارت‌هایی مانند شیوه‌های ارتباطی، خلاقیت، سازماندهی و مدیریت کلاس. این مهارت‌ها به مربی کمک می‌کند تا بتواند محیط یادگیری جذاب و مشارکتی برای کودکان فراهم آورد.
۳. نگرش:

● مربی می‌بایست نگرش مثبت و حمایتی نسبت به کودکان داشته و به توانایی‌ها و پتانسیل آن‌ها ایمان و باور داشته باشد. این نگرش به مربی کمک می‌کند تا با صبر و انعطاف پذیری با کودکان رفتار کرده و آن‌ها را به سوی موفقیت در تربیت و یادگیری هدایت کند.

ما امروز یعنی شانزدهم مرداد ۱۴۰۳ در جمع مربیانی حاضر بودیم که به ترکیب این سه عنصر باور داشتند. آنان از گوشه گوشه شهرستان ملارد در اوج گرمای نیمه تابستان در محل پژوهشسرای بوعلی سینا گردهم آمده بودند تا از تازه‌ترین دانش‌ها و نکات علمی در حوزه کار پیش دبستان بیشتر بدانند و بر تجربه‌های خویش بیافزایند. با ما در این جلسه همراه باشید.



پیش دبستان، اولین ارتباط کودک با اجتماع

برنامه را سیدکمال شهابلو با پرسش آغاز کرد. سوالی که پاسخش را همه می دانستند اما لذت در این بود که مربیان توانمند حاضر در جلسه، جواب را خود بر زبان جاری سازند و از همین ابتدا، کارگاه را با مشارکت شروع و ادامه دهند.

پرسش این بود:

چرا نقش مربی های پیش دبستانی و مهدهای کودک، معمولاً خیلی پررنگ تر از نقش معلمین و حتی بعضی مواقع پدران و مادران است؟ به نظر شما چرا اینقدر نقش مربی پیش دبستانی مهم و با ارزش است؟

اینجا بود که مربیان یک به یک در پاسخگویی مشارکت کردند:

”به دلیل اینکه اولین برخورد بچه با اجتماع و جدا شدن از والدینش است و وقتی که بچه از والدینش جدا شد، برایش خیلی مهمه اون کسی که جای مادرش و پدرش رو میخواد براش پر کنه، اون تایمی که اونجا هستش هم میتونه غذا بخوره هم می تونه آب بخوره نون بخوره غذا بخوره و هم آموزش ببینه.“

”این نقش پررنگ است به این دلیل که اون محیط باید خیلی براش امن باشه تا اینکه مفید باشه.“

مهم است زیرا ما در سنین بالاتر مثل سی، چهل، پنجاه سالگی، از بین تمام معلمین، باز این مربی پیش دبستانی و معلم پایه اول است که در ذهن ماندگار می شود.“

”کودکان قبل از این که شنونده ی خوبی باشند، مقلد خوبی هستند. بنابراین باید از

مربی شان خیلی خوب یاد بگیرند که صبور باشند، بازی رقابتی را یاد بگیرند و این که قدرت حل مسئله داشته باشند.“

همین پاسخها در آغاز کارگاه، انرژی خوبی به جلسه داد و شهابلو دنباله کلام مربیان را گرفت و گفت:

”همانطور که شما همکاران اشاره کردید، کودک از خانواده جدا شده و در اولین برخورد با مربی روبرو می شود. اینجاست که باید مراقب باشیم تا او احساس غربت نکند. این حس را نداشته باشد که قرار است

او را در معرض آموزش قرار دهند. اینجا مربی یک تربیت کننده است و کودک نباید احساس کند در یک فضای رسمی قرار گرفته و می خواهند به او آموزش رسمی بدهند. کودک باید این حس را داشته باشد که از خانه خودش دوباره به خانه دیگری مثل خانه مادر بزرگش رفته است. اینجاست که مربی خودش را به عنوان الگوی خودش قبول می کند. نقش مادرانه مربی و این که تعامل داشته باشد از جهت دلی با آن نوآموز خودش خیلی موثر است. نکته

مهم در کار مربی این است که کودک را از نقطه ای به نقطه دیگر از نظر تربیتی هدایت و راهنمایی کند بدون آنکه کودک متوجه این جایابی شود.“

شهابلو همچنین یادآور شد:

”البته در این مسیر مربی تنها نیست و سایر بچه ها، رسانه ها و محیط نیز تاثیرگذار است. البته کودک در این محیط از طریق بازی، تفریح و سرگرمی استفاده می کند. امروزه ما برای این کار از کتاب و یک سری امکانات دیگر مانند فیلم، انیمیشن

و رسانه های دیگر استفاده می کنیم و این مجموعه در قالب یک بسته ارائه می شود. اینجاست که اگر مربی یک بسته مناسب در پیش دبستان در اختیار داشته باشد بنا به موقعیت و سلیقه خودش می تواند از این امکانات برای فعالیت های تربیت و یادگیری بهره ببرد.“

مدیر تولید انتشارات قصه و داستان سپس با استناد به کتاب برنامه ریزی آموزشی اثر دکتر عباسی از انتشارات مدرسه به مقایسه دو کشور آمریکا و آلمان

**مربی در مسیر تربیت
تنها نیست و بچه ها،
رسانه ها و محیط در کنار
یک بسته تربیتی مطلوب
بسیار راهگشا است**



متولد شده و او نیز می‌تواند شاهد این ماجرا باشد. او هم همین کار را انجام می‌دهد تا سرعت سیر این تولد افزایش پیدا کند. سرانجام هم این اتفاق می‌افتد. اما با این حرکت عمر پروانه کوتاهتر از حالت عادی شده به این دلیل که پروانه دارای بال زیبا بوده اما امکان و قدرت پرواز نداشته است. این نویسنده بزرگ بعدها می‌گوید که جنازه این پروانه تا همیشه روی دوش من سنگینی می‌کرد، زیرا من با آن کار باعث شدم مسیر طبیعی این تولد و زندگی خراب شده و عمر آن کوتاهتر شود.

ناصری با ذکر این مثال در ادامه گفت: "دنیای پیش دبستان هم جایی نیست که ما با "ها کردن" یعنی گرما و حرارت دهان خودمان زندگی و تربیت بچه‌ها را سرعت ببخشیم.

دنیای پیش دبستان با دنیای دبستان دوتا دنیای متفاوت است. این دنیای بیرون از پيله است، اون دنیای داخل پيله است؛ این دنیای آمادگی است، اون دنیای آموزه؛ این دنیای یادگیری خودخواسته است، اون جایی است که آموزش

دهنده باید آموزش بدهد؛ این دنیایی است که غیر رسمیه و آن دنیایی که رسمی است. این دنیایی غیر اجباری و دیگری دنیایی است که لازم التعلیمه است. این دنیایی است که به شدت شکل بازی دارد و دیگری دنیایی که تازه کودک دارد قدم به قدم وارد فضای یاد گرفتن می‌شود.

ما به عنوان مربی نباید اجازه بدهیم تا به ما در امر تربیت کودک تحمیل بشود و مثل آن پروانه کودک را "ها" کنیم. حال چه کسانی به ما این سرعت بخشیدن را تحمیل می‌کنند؟ بله، پدران، مادران، بعضی از موسسین، بعضی از مدیران، جامعه، اطلاعات غلط راجع به پیش دبستان و امثال اینها همه موجب می‌شوند تا ما کاری نکنیم که یک بخشی از وجود کودک بدون هیچ دلیلی نابود بشود.

وی در همین زمینه به مربیان توصیه کرد تا به دقت مراقب باشند در این مسیر قرار نگیرند. شاید والدین کودک دوست داشته باشند فرزندشان به سرعت رشد

و موفقیت آنان در امر توسعه آموزشی پرداخت و اهمیت توجه به دوره پیش دبستان و دوره پایه دبستان را به حاضران یادآور شد و در ادامه به معرفی مدرس این کارگاه پرداخت و گفت:

"آقای محمد ناصری دبیر بسته‌های تربیت و یادگیری هستند و ده، یازده سال مدیر کل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی وزارت آموزش و پرورش بودند و سابقه‌ای درخشان و خوب در آموزش و پرورش داشتند و متخصص دوره‌های

پیش دبستانی و دبستانی هستند که امروز در این کارگاه با شما صحبت می‌کنند. ایشان همچنین نویسنده‌ای هستند که کتاب‌های متعددی دارند و کتاب "جای پای ابراهیم" ایشان نیز کتاب برگزیده و شایسته سال جمهوری اسلامی شده است.

تولد سریع یک پروانه؛ آری یا خیر

در ادامه این نشست، محمد ناصری کلام خود را با ذکر

خاطره‌ای از نیکوس کازانتزاکیس نویسنده نامدار یونانی و صاحب آثاری همچون زوربای یونانی و آخرین وسوسه‌های مسیح آغاز کرد و گفت:

"این نویسنده نامدار در خاطره‌ای از کودکی خودش به نکته‌ای اشاره می‌کند که دانستن آن برای همه ما خوب است. او می‌گوید که در کودکی خیلی دوست داشته که تولد یک پروانه‌ای را ببیند. به او گفته شده بود اگر پيله پروانه را با حرارت دهان خودش گرم کند روند این حرکت سریعتر شده و پروانه زودتر

دنیای پیش دبستان با دنیای دبستان دوتا دنیای متفاوت است. این دنیای بیرون از پيله است، اون دنیای داخل پيله است؛ این دنیای آمادگی است، اون دنیای آموزه؛ این دنیای یادگیری خودخواسته است، اون جایی است که آموزش دهنده باید آموزش بدهد





باغبان یا نجار

دبیر بسته تربیت و یادگیری «من می دانم، من می توانم» پس از اظهار نظر مربیان به دو عنوان باغبان و نجار و ارتباط آن با کار مربیان اشاره کرد و از ویژگی های این دو حرفه و همچنین کتابی در این زمینه با عنوان «معلم، باغبان یا نجار» نام برد و با حضاران سخن گفت. ناصری از شوق و همراهی شرکت کنندگان در نشست به خوبی بهره گرفت و خطاب به آنان یادآور شد:

«ما می خواهیم یک چیزی را بار بیاریم یا می خواهیم آن را بسازیم؟ ما می خواهیم یک چوبی را برش بدهیم و با قطعه های آن چیزی را درست کنیم یا اینکه می خواهیم یک بذری را در فضایی که آن را مهیا می کنیم کاشته و حواس ما به نور، آفتاب، آبرسانی و کارهای مربوط به آن باشد؟ یادمان باشد که این بذری می تواند بذر هر چیزی مثل گندم، جو، گل یا میوه باشد. هر بذر استعداد خودش را دارد و خداوند در ذات هر کسی ویژگی و صفات خاصی را قرار داده است.»

دانش روانشناسی نیز همین موضوع را می گوید یعنی هر انسان یا هر کودکی در یک زمینه استعداد دارد. در برخی افراد هوش هیجانی

آنان قوی تر است در عده دیگر هوش های تصویری، ریاضی، اجتماعی، تجسمی و غیره قوی تر است. ما نباید انتظار داشته باشیم که تمام بچه ها در یک موضوع و یک رشته از قابلیت بالا برخوردار باشند و مانند هم رشد کنند. این ها تفاوت های فردی است و متاسفانه مدارس ما به این تفاوت ها در مورد بچه ها دقت نمی کنند. در مدارس یک سیلابس و برنامه درسی وجود دارد و شاگردان باید

از یک نقطه به نقطه دیگر برسند و مثلاً در این مدت زمان مشخص این اعداد حروف الفبا علوم ریاضی و سایر موارد را باید یاد بگیرند. معلم وظیفه اش یاد دادن است اما این موضوع با کار مربی تفاوت دارد. این مدیر فرهنگی در ادامه به تشریح مدل کار مربیان پرداخت و افزود:

کند اما سریعتر بزرگ شدن و تجربه نکردن یک سری کارها که مربوط به همین دوره است بعدها هم پیشیمانی پدران و مادران را به دنبال دارد و هم این که یک سری فرصت ها را از کودک می گیرد و او در بزرگسالی به دنبال آن ها می گردد.»

دبیر بسته تربیت و یادگیری در ادامه تاکید کرد که ما به عنوان مربی باید بدانیم مسئول یاد دادن همه چیز به همه بچه ها نیستیم و اینجاست که سوالی به وجود می آید که در این صورت من به عنوان مربی مسئول چه چیزی یا کاری هستم؟ وی سپس در پاسخ به همین سوال گفت که ما معلم نیستیم و مربی هستیم و این دو

با هم متفاوت است. حال شما مربیان عزیز حاضر در جلسه از این تفاوت برای ما بگویید. اینجا بود که مجدد مربیان به اظهار نظر پرداخته و از دلایل تفاوت کار خودشان با معلمان اینطور یاد کردند: «معلم آموزش دهنده است اما مربی علاوه بر آموزش، پرورش دهنده هم هست. یعنی توانایی که خود بچه دارد را گسترش می دهد.»

معلم آموزش دهنده است، اما مربی علاوه بر آموزش، پرورش دهنده هم هست. یعنی توانایی که خود بچه دارد را گسترش می دهد



” این مسئولیت به عهده مربی گذاشته نشده است، بلکه مربی وظیفه اش غنی کردن محیط پیش دبستانی است تا بچه‌ها بدون اجبار، بدون اکراه، بدون تحمیل، بدون مقایسه و بدون امتحان، آن چیزی که هستند بار بیابند. ولی معلم می‌خواهد آن چیزی که در سیلابس برایش در نظر گرفته‌اند انجام شود. همین تفاوت بین مادر و مادر بزرگ هم وجود دارد. به طور معمول مادر بزرگ‌ها مهربان‌تر هم هستند البته شاید مادر بزرگ‌هایی هم باشند که اینطور نباشند. مادر بزرگ‌ها اصولاً بچه‌ها را بدون شرط دوست دارند و با آن‌ها برخورد می‌کنند. در حالی که پدر و مادر یک سخت‌گیری‌های خاص دارند. یعنی به کودک خود می‌گویند تا این غذا را کامل نخوری از فلان تفریح یا امکانات خبری نیست. حال آنکه مادر بزرگ اینطوری برخورد نمی‌کند. اگر کودک به دلیلی زمین بخورد پدر و مادر واکنش تندی نشان می‌دهند یعنی می‌گویند مگه جلوی چشمت را نمیبینی، حال آنکه مادر بزرگ به دلیل یک دوره زندگی و تجربه بیشتر روش برخوردش با کودک تفاوت دارد.

مادر قصدش آموزش دادن است در حالیکه مادر بزرگ اصلاً قصد آموزش ندارد. در واقع این تجربه مادر بزرگ‌ها است که به بچه‌ها فرصت‌های بیشتری می‌دهند.

مدرس جلسه سپس مربیان را در این مقایسه علیرغم جوانتر بودن به مادر بزرگ‌ها تشبیه کرد و گفت: مهربانی و دوست داشتن گسترده شما باعث می‌شود تا اگر کودک خطایی هم انجام داده باشد شما به واسطه محبت و مهربانی آن را برطرف کنید. بچه‌ها در نزد شما همچون حضور در پیش مادر بزرگ‌ها آزادتر، راحت‌تر، شادتر، بهتر و بلکه بیشتر دیده می‌شوند. البته انسان در هر سن و سالی که باشد

نسبت به ابراز محبت، علاقه و دوستی واکنش بهتر نشان می‌دهد. این یک امر فطری است و در پیش دبستان که دنیای احساسات و عواطف هست بیشتر به چشم می‌آید.

از طرف دیگر برخی مربیان متاسفانه این اشتباه را دارند که فکر می‌کنند باید در پیش دبستانی یک

سری چیزها را به بچه‌ها آموزش بدهند. این در حالی است که بچه‌ها به صورت خودآگاهانه و خودخواسته در معرض یادگیری قرار دارند. در واقع سیستم روحی بچه‌ها این حالت را دارد. فضای پیش دبستان حالت غیر اجبار دارد یعنی ممکن است

شما برای بچه‌ها صحبت کنید اما حواسش به جای دیگری باشد. همین آزادی و رها بودن بچه‌ها است که باعث شده تا فیلسوفان غبطه به حال آنان بخورند. آنان می‌گویند اگر شما دنبال انسان‌های بزرگ، آبر انسان می‌گردید، بچه‌های غیر دبستانی را باید ببینید. یعنی کسانی که وارد آموزش رسمی نشدند را باید ببینید. زیرا بچه در این موقعیت، خود خودش است. بچه سه چهار ساله خود

خودش است. دوست دارد یک چیزی را می‌خورد، دوست دارد به یکی می‌خندد، دوست دارد بغل یکی می‌رود، دوست ندارد هم نمی‌رود و هیچکدام از این کارها را انجام نمی‌دهد. لذا برخی از افراد اشتباه می‌کنند که این تصور را دارند، دوره پیش دبستان دوره آموزش دادن است. تمام آنچه را که من تا اینجا

اگر شما دنبال انسان‌های بزرگ، آبر انسان می‌گردید، بچه‌های غیر دبستانی را باید ببینید. یعنی کسانی که وارد آموزش رسمی نشدند را باید ببینید. زیرا بچه در این موقعیت، خود خودش است

برای شما عرض کردم مبتنی بر اسناد بالادستی آموزش و پرورش است.

ناصری در ادامه به ماجرای ورود کودکان از یک محیط به محیط دیگر پرداخت. او از خانه به عنوان محیط اولیه برخورد و زندگی کودک در کنار پدر، مادر، خواهر و برادر با تعداد نفرات کمتر و بیشتر نام برد که به محض ورود به پیش دبستان با مجموعه‌ای روبرو می‌شود که این جمعیت بیشتر، همگی هم سن و سال خودش هستند. نکته جالب ماجرا اینجاست که برترین پدر و مادر هر قدر هم سعی کنند بهترین بازی را با فرزند خود داشته باشند، اما از

کودک هم سن و سال او ضعیف‌تر عمل می‌کنند. شما در یک محیط پیش دبستانی ممکن است با دو کودک روبرو باشید که یکی درونگرا و آن دیگری برونگرا باشد. با این حال این دو به تدریج با هم ارتباط برقرار می‌کنند و بازی می‌کنند. برای نمونه به حضور همین چند کودک حاضر در این جلسه نگاه کنید که همراه با مادران خود به جمع ما آمده‌اند اما هر کدام خودشان به نحوی که دوست دارند خود را سرگرم ساخته‌اند و

اصلاً کاری با جلسه ما ندارند. در پیش دبستانی هم همین طور است، یعنی بچه‌ها خودشان همدیگر را پیدا کرده و سرگرم می‌شوند. بچه در پیش دبستانی است که با گروه آشنا شده و به تدریج متوجه می‌شود که اینجا برای خودش قواعد و قوانینی دارد. یعنی اگر در خانه، او اولویت اول غذا خوردن را دارد اما در پیش دبستانی باید در نوبت قرار گرفته و حق دیگر دوستانش را رعایت کند. شاید روزهای نخست نتواند خود را تطبیق دهد اما به تدریج این نکات را به صورت خودآگاهانه یاد گرفته و این قواعد را رعایت می‌کند. اینجا یک سری بازی‌های جدید را یاد می‌گیرد و با دیگر کودکان همسال خود تعامل می‌کند. بچه‌ای که تنها در خانه است همه حق را متعلق به خودش می‌داند، چون فردیت است. اما وقتی به جمع همسالان می‌آید در عمل، فرا می‌گیرد. اگر می‌خواهد از تاب، سرسره یا سایر وسایل و بازی‌ها

استفاده کند باید نوبت را رعایت کند. اینطور نیست که مثل خانه، همه چیز برای او باشد. وظیفه مربی نیز در اینجا همین هماهنگی و همراهی و تقویت این موارد است تا او به صورت خودکار این نکته‌ها را فرا بگیرد و بیاموزد.

علاقه، عاطفه و دوست داشتن اولویت نخست پیش دبستانی‌ها

ناصری آنگاه در ادامه این جلسه به یکی از خطاهای مرتبط به کار مربیان اشاره کرد و یادآور شد:

”یکی از خطاهای بزرگ این است که ما فکر کنیم آگاهی دادن مهم‌تر از علاقه مند

بودن است. ما فکر می‌کنیم آگاهی هرچی بیشتر باشد، عشق نیز بیشتر است. در بچه‌ی پیش دبستان علاقه و عاطفه و دوست داشتن مطرح است و بعداً آگاهی آن را تقویت می‌کند. شما در این رابطه به کودکی نگاه کنید که در طبیعت بزرگ می‌شود. او وقتی به کنار گل می‌رسد آن را با پا لگد می‌کند مورچه را هم که می‌بیند آن را زیر پایش له می‌کند. این برخورد اول در ماجراست اما همین کودک

به تدریج یاد می‌گیرد که این مورچه می‌تواند یک همبازی خوب برای او باشد. برایش لانه درست می‌کند، مسیر حرکتش را تغییر می‌دهد و خلاصه کلی با همین مورچه بازی می‌کند. پس اگر فکر کنیم که به بچه‌های پیش دبستانی باید یک چیزهایی را یاد بدهیم اشتباه می‌کنیم. بچه خودش آن چیزهایی را که باید یاد بگیرد یاد می‌گیرد و فقط شما باید محیط آن را بازی گونه فراهم کنید.”

ناصری در مورد ایجاد فضای بازی گونه اینطور توضیح داد:

”همه ما باید بدانیم، خیلی جاها آموزش غیر مستقیم بهتر جواب می‌دهد. یعنی اگر شما به در بگویید که دیوار بشنود، تاثیرش بیشتر خواهد بود. الان ما این همه آموزه‌های دینی برای جامعه داریم اما اصلاً شنیده نمی‌شود. زیرا مستقیم گویی و نصیحت جواب نمی‌دهد. اما هر قدر این سخن غیرمستقیم تر

همه ما باید بدانیم، خیلی جاها آموزش غیرمستقیم بهتر جواب می‌دهد. یعنی اگر شما به در بگویید که دیوار بشنود، تاثیرش بیشتر خواهد بود



باشد، بهتر و بیشتر شنیده می‌شود. الآن که این جلسه تمام شود و ما برویم شاید خیلی از حرف‌ها را شما فراموش کنید اما داستان آن پروانه و پيله را به خاطر خواهید داشت.

روانشناسان معتقدند در بچه ۵ ساله تا ۶ ساله آهنگ رشد آنان با همدیگر خیلی متفاوت است. یعنی سارا که کنار فاطمه نشسته، اگر تند تند

باید بدانیم که حد یادگیری هر بچه‌ای مختص به خودش است و به همین دلیل مربی آموزش دهنده‌ی سیلابسی نیست. در سال اول دبستان می‌گویند حد یادگیری هر کودک و دانش آموزی در اندازه خودش است. به همین دلیل منطقی است که باید گفت هیچ بچه‌ای قابل مقایسه با بچه دیگر نیست. ناصری در همین رابطه مثالی زد و ادامه داد:

در سال اول دبستان می‌گویند حد یادگیری هر کودک و دانش آموزی در اندازه خودش است. به همین دلیل منطقی است که باید گفت هیچ بچه‌ای قابل مقایسه با بچه دیگر نیست

”ممکن است یک کودک در بدو ورود به پیش دبستان بسیار گوشه‌گیر باشد اما به تدریج همین کودک با سایر بچه‌ها ارتباط برقرار می‌کند و چند ماه بعد به کودکی بسیار فعال و شلوغ تبدیل می‌شود. لذا باید گفت هر کودکی ریتم رشد خودش را دارد. طی شدن این مسیر برای کودک هم می‌تواند به حضور او در گروه ارتباط داشته باشد و هم به تسهیلگری مربی

شروع به کشیدن می‌کند، مهارت دست ورزی او مربوط به خودش است و تو نمی‌توانی به او بگویی که فاطمه، سارا را نگاه کن که چقدر تند نقاشی می‌کشد. از طرف دیگر ممکن است سارا از یک روابط عمومی قوی‌تری برخوردار باشد که فاطمه در حد او نباشد. یک بخش از این ماجرا ذاتی و ارثی است. تجربه، طبیعت فرد و دلایل متعددی برای این کار می‌توان در نظر گرفت. انسان شناسان بزرگ با تمام شناخت کاملی که از انسان

دارند باز هم می‌گویند انسان یک موجود ناشناخته است. چون اگر ناشناخته نبود، علم الان تمام شده بود. این همه علوم زیستی، علوم تجربی، علوم ریاضی وجود دارد و با این همه باز هم انسان هنوز شناخته نشده است. در این ناشناخته بودن انسان،



آنان استفاده می‌کنید. یادمان باشد که در اینجا برای ما کیفیت کار مهم است و نه کمیت. یعنی اگر یک کودک سه قطعه شعر را دوست داشته باشد و آن را یاد گرفته و مرتب تکرار کند و بخواند بهتر از آن است که ۱۰ قطعه شعر به او یاد بدهیم اما کودک از آن‌ها هیچ لذتی نبرد.

ناصری تاکید کرد:

”وقتی یک کودک کارتونی را دوست داشت و آن را چنان یاد گرفت و با مزه برای شما و دیگری تعریف کرد، یعنی از دیدن این فیلم یا از شنیدن این قصه حسابی لذت برده است که با این ذوق و شوق آن را با زبان خودش تعریف می‌کند. شاید شما یک قصه و داستان را بارها برای او تعریف کرده باشید و کودک باز هم از شما بخواند تا آن را برایش تعریف کنید.

روان‌شناس‌های تربیتی می‌گویند در هر تعریف، بچه چیزهای جدیدی از آن دریافت می‌کند. ما بزرگترها می‌گوییم که

قصه باید یک پیام داشته باشد. برای مثال ما از این داستان یاد بگیریم که بچه خوبی باشیم. اما باید بدانیم که اصلاً بچه این جوری به قصه و داستان نگاه نمی‌کند. کودک اگر از ریتم یک قصه خوشش بیاید و ما آن را هزار بار هم تکرار کنیم باز هم خواهان شنیدن آن است. پیام این قصه برای کودک همانا ریتم، آهنگ و بازی آن است. قصه اتل مثل توتوله، ریتم و آهنگش برای کودک جذاب و پذیرفتنی است

ربط پیدا کند. به همین دلیل است که به مربی به جای آنکه معلم بگوییم باید از کلمه تسهیلگر استفاده کرد.

تسهیلگر یعنی چی؟ یعنی کسی که فضا رو باز و در واقع آسان می‌کند، دقیقاً کار را سهل می‌کند. من می‌خواهم در اینجا یک نکته‌ای را به شما عرض کنم تا خیالتان راحت شود. اصلاً در پیش دبستان فرایند تربیت مهم است نه نتیجه کار. فرایند یعنی چی؟

یعنی شما به عنوان مربی بچه‌ها

را برای بازی به حیاط می‌برید تا مثلاً نیم ساعت فعالیت داشته باشند و بازی کنند. اما این بازی و سرگرمی آنقدر برایشان جذاب می‌شود که بیشتر از زمان مد نظر شما در حیاط فعالیت می‌کنند. در واقع برنامه‌ریزی شما طوری است که بچه‌ها آنقدر بازی می‌کنند که از بازی کردن سیر می‌شوند. حال اگر برای شما هزار فعالیت پیشنهاد کرده و در نظر بگیرند نیازی نیست که شما همه آن‌ها را

به مرحله اجرا بگذارید. مهم این است که آن فعالیت برای بچه‌ها لذت بخش بوده و از آن خوششان بیاید. شاید در این ساعت برای آن‌ها فیلم بگذارید، سپس کارتون پخش کنید، بعد بازی کنند و در ادامه شعر بخوانند و قصه گویی داشته باشید. وقتی شما یک بسته تربیت و یادگیری در اختیار داشته باشید در این بسته پیشنهادات مختلفی وجود دارد و شما به اقتضای زمان و موقعیت بچه‌ها از این امکانات برای

در ماه محرم بچه‌ها هم مثل بزرگترها برای خودشان تکیه می‌زنند و با طبل و سنج و علم کتل، یک مراسمی راه می‌اندازند. آن‌ها این کار را با یک جدیت خاص انجام داده و برایش وقت می‌گذارند. این معنویت به واسطه همین شکل بازی کودکانه در وجود آنان نهادینه می‌شود

و الا این شعر چه پیامی دارد؟ قرار نیست ما به کودک شعر مولانا را یاد بدهیم. بچه‌ها به تدریج همه چیز را خودشان یاد می‌گیرند.

سرگرم شدن، لذت بردن و بازی کردن از جمله مهم‌ترین جذابیت‌های دورهٔ پیش دبستان است. معلم موفق با یک سناریو وارد کلاس درس می‌شود و از دانش‌آموزان سوال می‌کند که چه فعالیتی را انجام داده‌اند اما مربی موفق سناریوآش مبتنی بر بازی سرگرمی و تفریح و لذت است.

ناصری در همین ارتباط مثالی زد و گفت:

” در ماه محرم بچه‌ها هم مثل

بزرگترها برای خودشان تکیه

می‌زنند و با طبل و سنج و

علم کتل، یک مراسمی راه

می‌اندازند. آن‌ها این کار را با

یک جدیت خاص انجام داده

و برایش وقت می‌گذارند. این

معنویت به واسطه همین شکل

بازی کودکانه در وجود آنان

نهادینه می‌شود. ابتدا با عشق

و سرگرمی شروع شده و سپس

آن آگاهی لازم شکل می‌گیرد.

همچنین حرکات بچه‌ها در

مساجد برای نماز خواندن که

شاید از بازی کردن با مهر و جمع کردن

مهرها شروع شود و کم کم شکل پیدا می‌کند.”

ناصری سپس به توضیح اصطلاح معلم چون شمع می‌سوزد تا اطراف خود را روشن سازد پرداخته و گفت:

” چرا معلم باید مثل شمعی بسوزد و تمام شود، در

حالیکه باید مثل لامپ روشن بماند و اطراف خود را

هم روشنی و نور ببخشد. این اصطلاح متعلق به شعر

و شاعری است و در عالم واقعی چندان معنایی ندارد.

مربی در واقع باید تسهیلگر باشد و نظارت کند، نه

اینکه تمام انرژی خودش را مصرف کند. او می‌تواند

یک جا بایستد و بچه‌ها را هدایت کند تا فعالیت‌های

خود را با نظارت او دنبال کنند. در واقع باید مدیریت

بکار گرفتن افراد را داشته باشد. مدیران هم باید

همین وضعیت را داشته باشند. قرار نیست یک مدیر

تمام کارها را خودش انجام بدهد. او باید کارها را

ارجاع داده و تقسیم کند. یک مدیر فرهنگی آرامش

دارد و خودش اهل مطالعه کتاب و تماشای فیلم در

حوزه کار خودش است و در این زمینه از اطلاعات کافی و لازم برخوردار است. یک مدیر و مربی موفق چنان برای بچه‌ها برنامه‌ریزی می‌کند که، آنان از تمام انرژی خودشان در پیش‌دبستانی استفاده کرده و وقتی به خانه می‌روند مادرشان خوشحال است که فرزندش تمام انرژی خود را در محیط پیش دبستان تخلیه کرده است.

ولی مدیر ناموفق مدیری است که بچه‌ها را به زور نگه می‌دارد، بعد بچه‌های پیش دبستان مثل کلاس مدرسه موقعی که زنگ می‌خورد و زمان تعطیلی می‌رسد کیف‌های خود را روی هوا

پرتاب می‌کنند تا به سرعت از

مدرسه خارج شوند. انگار با

شنیدن صدای زنگ تعطیلی،

منفجر می‌شوند. حال آنکه در

پیش دبستانی بچه‌ها آنقدر بازی

کردند، فیلم و کارتون تماشا

کردند، کاردستی ساختند،

نقاشی کشیدند و خلاصه در

فعالیت بودند که دیگر انرژی

برای آنان باقی نمانده است.”

ناصری خطاب به مربیان

توصیه کرد، کلاس بچه‌ها را

طوری آزادانه اداره کنند که وقتی

کسی از خارج کلاس به آن نگاه می‌کند

به این آزادی و راحتی بچه‌ها پی برده و متوجه

طراحی هنرمندانه و برنامه‌ریزی و مدیریت کار شده

و احساس کند بدون هیچ تحمیل و اجباری کودکان

در حال تربیت و یادگیری هستند.

وی سپس به برخی از تجارب مدارس کشور ژاپن

اشاره کرد و گفت:

” در ژاپن می‌گویند که بهترین مدرسه، مثلاً دبستان

یا پیش دبستان جایی است که صدای بچه‌ها بیشتر از

آنجا شنیده شود، صدای خنده‌هاشون بلند بلند باشد

و خیلی راحت با هم حرف بزنند. مدرسهٔ خوب یعنی

مدرسه‌ای که صدای بچه‌ها از آنجا به گوش برسد.

یعنی همان آزادی که شما مربیان هم فرمودید. در

واقع کنترل تحمیلی وجود نداشته باشد.”

در این فرصت یکی از مربیان حاضر در جلسه در

مورد خلاقیت مربی و استفاده از فرصت‌ها برای کار

مثالی زد و گفت:

” مثلاً الان زنگ خمیر بازی است و بچه‌ها مشغول

مربی در واقع باید تسهیلگر باشد و نظارت کند، نه اینکه تمام انرژی خودش را مصرف کند. او می‌تواند یک جا بایستد و بچه‌ها را هدایت کند تا فعالیت‌های خود را با نظارت او دنبال کنند. در واقع باید مدیریت بکار گرفتن افراد را داشته باشد



را مرور می‌کنیم بیشتر از مباحث فیزیک و شیمی و ریاضی، همین نکات کوچک و جزئی در ذهن مان باقی مانده است. در واقع حاشیه‌ها از جذابیت خاصی برخوردار است.

دبیر بسته تربیت و یادگیری در این قسمت از جلسه به معرفی قالب‌های متنوع در این امر اشاره کرد و به مربیان توصیه کرد با تسلط و شناخت کافی از این قالب‌ها در طول سال به خوبی به شکل برنامه‌ریزی شده برای کار خودشان استفاده کنند.

او از مربی، کودک و والدین به عنوان سه ضلع این مثلث یا شکل سه گوش در بحث تربیت و یادگیری کودک یاد کرد و افزود:

این سه ضلع زمانی کامل شده و معنا دارد که یک بسته آموزشی کامل و مناسب هم در اختیار شما قرار داشته باشد. یعنی شما بدانید که در طول سال چه برنامه‌ای دارید و چه کارهایی را می‌خواهید انجام بدهید. با وجود چنین برنامه‌ای، تکلیف والدین هم روشن می‌شود. یعنی والدین هم بدانند که بچه آن‌ها در پیش دبستان چه کارهایی دارد و مادر و پدر چه انتظار و توقعی باید از او مربی داشته باشند. یعنی بدانند چه کارهایی باید انجام شود و چه کارهایی ممنوع است. یک مربی موفق باید دستش در زمینه‌های مختلف در این کار پر باشد. او باید به تعداد زیاد و قابل توجه، شعر، قصه، نمایش خلاق، فیلم، کارتون، بازی، سرگرمی، نقاشی،

کاردستی، گردش علمی، آزمایش

و غیره داشته باشد و با برنامه‌ریزی در این زمینه پیش برود تا بچه‌ها لذت ببرند. او باید پر از ایده در این زمینه باشد.

بسته موفق، انعطاف پذیر است

ناصری در ادامه بر روی تأییدیه سازمان تعلیم و تربیت کودک از تولیدات و بسته‌های تربیت و یادگیری به عنوان یک نکته مهم نام برد که مدیران و مربیان پیش دبستان باید به آن توجه داشته باشند. او همچنین از داشتن راهنما برای مربیان در این بسته‌ها،

خمیربازی هستند و در این فاصله یک زنبور یا حشره دیگری از پنجره کلاس وارد می‌شود. مربی خلاق از این فرصت استفاده می‌کند و توجه کودکان را به این حشره جلب کرده و زمینه یادگیری آنان را مهیا می‌سازد. در چنین شرایطی وقتی اطلاعات خوبی به کودکان داده می‌شود و با پرسش و پاسخ کلاسی، یادگیری اتفاق می‌افتد، دیگر این فراگیری در ذهن بچه‌ها باقی می‌ماند.

مدرس کارگاه توانمندسازی ضمن تأیید صحبت و مثال این مربی در ادامه تأکید کرد یک مربی و معلم همیشه دنبال ایجاد فرصت‌های یادگیری برای بچه‌ها است و سپس به معرفی کتاب توتوچان به حضاران پرداخت و فزاینده‌ای از داستان این کتاب مطرح در حوزه تربیتی را با آنان در میان گذاشت و گفت:

این کتاب یکی از پرتیراژترین کتاب‌های سیاست و خیلی به کار شما کمک می‌کند و توصیه می‌کنم آن را حتما مطالعه کنید.

نویسنده در این کتاب سعی دارد به مخاطب یادآوری کند که برای برخورد با کنجکاوی کودکان دو راه یعنی سرکوب و ایجاد فرصت برای یادگیری وجود دارد. درست مانند مثالی که شما مربی گرامی در مورد وارد شدن زنبور به کلاس زدید. همین مثال‌ها و نمونه‌ها تا سالیان سال در ذهن افراد باقی می‌ماند. ما خودمان هم که امروز خاطرات دوران درس و مدرسه

شما بدانید که در طول سال چه برنامه‌ای دارید و چه کارهایی را می‌خواهید انجام بدهید. با وجود چنین برنامه‌ای، تکلیف والدین هم روشن می‌شود. یعنی والدین هم بدانند که بچه آن‌ها در پیش دبستان چه کارهایی دارد



برخی از محصولات و کتاب‌ها پس از تولید دیگر امکان برقراری ارتباط ندارند. همچنین استفاده از امکانات چند رسانه‌ای می‌تواند به مربیان در جذاب‌تر شدن کلاس آن‌ها کمک کند.

محمد ناصری در دقایق پایانی این نشست که به دلیل گرمای شدید هوا و کاهش زمان کار مدارس و ادارات در استان تهران و شهرستان‌های آن، سبب شد زمان برنامه نیز کوتاه شود خطاب به حاضران یادآور شد:

”یک بسته موفق نباید پیچیدگی داشته باشد تا مربی بتواند به راحتی از امکانات و قابلیت‌های آن در مسیر اهداف خود از آن بهره بگیرد. چنین بسته‌هایی برای تمام طول سال مربی برنامه دارد و مسیر حرکت او را طی ماه‌های سال مشخص می‌کند تا دچار سردرگمی در اجرای فعالیت‌ها نشود. همچنین

به مربی فرصت‌هایی می‌دهد تا او بتواند از قالب‌ها بر اساس شناختی که پیدا می‌کند در موقعیت‌های مناسب استفاده کند.

در پایان این نشست، علیرغم گرمای هوا، شرکت‌کنندگان پس از ثبت یک عکس دست‌جمعی به یادگار از این کارگاه، همچنان پرسش‌های خود را با مدرس جلسه در میان می‌گذاشتند و پاسخ می‌گرفتند. در خاتمه نیز چند تن از حاضران در یک میزگرد با ما شرکت کرده و به پرسش‌های مطرح شده پاسخ دادند که در ادامه با هم‌می‌خوانیم.

پشتیبانی از مربیان، جذابیت ظاهری کتاب‌ها برای کودکان و وجود کتاب راهنما برای والدین به عنوان عناصر مهم در این زمینه یاد کرد و افزود:

”این بسته تربیت و یادگیری باید انعطاف پذیر باشد، یعنی اگر یک مربی توانایی شخصی دارد این بسته جلوی توانایی‌اش را سد نکند. چون همه‌ی کار توسط مربی انجام می‌شود، پس

مربی باید در واقع چون عامل تربیتی خودش هست، خودش باید دستش باز باشد. فرض کنیم شما به رستوران رفته‌اید و غذا می‌خواهید. یک رستوران خوب به شما جدول سفارش غذا (منو) می‌دهد تا انتخاب کنید. اما رستوران دیگر ممکن است برایتان چند نمونه غذا را بیاورد اما به شما بگویند که هیچکدام این‌ها را نداریم.

به همین دلیل یک بسته خوب و مناسب تربیت و یادگیری هم باید

انواع و اقسام فعالیت‌ها را در دل خود داشته باشد تا مربی بتواند بنا به سلیقه و موقعیتی که در آن قرار دارد یک فعالیت را انتخاب کرده و با بچه‌ها کار کند. داشتن پشتیبان، برگزاری کارگاه، پاسخگو بودن، برخورداری از سایت و شبکه‌های اجتماعی نیز از دیگر ویژگی‌های یک بسته است. یعنی اگر کسی سوالی داشت و یا در بخشی از فعالیت با مشکلی روبرو شد بتواند مشکل خود را مطرح کرده و پاسخ بگیرد. همچنین اگر پیشنهادی برای بهبود کار داشت بتواند آن را از طریق با تولیدکننده بسته در میان بگذارد. این در حالی است که

به همین دلیل یک بسته خوب و مناسب تربیت و یادگیری هم باید انواع و اقسام فعالیت‌ها را در دل خود داشته باشد تا مربی بتواند بنا به سلیقه و موقعیتی که در آن قرار دارد یک فعالیت را انتخاب کرده و با بچه‌ها کار کند

« بسته آموزشی مفید برای رشد کودک، برنامه همه جانبه دارد

پس از پایان کارگاه توانمندسازی مربیان در شهرستان ملارد، در فرصتی کوتاه در قالب یک میزگرد به گفتگو با تنی چند از شرکت‌کنندگان پرداختیم تا از نظرات آنان بیشتر بدانیم و آگاه باشیم. اما قبل از طرح پرسش‌های خود و دریافت پاسخ از آنان، شما را با این همکاران ارزشمند بیشتر آشنا می‌کنیم و سپس به اتفاق، میزگرد را دنبال خواهیم کرد.

« گیتی جورابیان

از جمله مربی پیش‌دبستانی است که از تجربه‌ی مدیریت هم برخوردار بوده و در مهد کودک هانیه ملارد با قریب به ۲۰ سال تجربه فعالیت می‌کند. وی مدرک کارشناسی پیش‌دبستان را نیز در کارنامه فعالیت‌های خود دارد.

« عاطفه عموزاد خلیلی

مدرک کارشناسی ارشد روانشناسی دارد و به عنوان مربی و مدیر موسس مدارس دولتی در شهرستان ملارد فعالیت دارد. وی از ۱۰ سال سابقه برخوردار بوده و در پایه متوسطه نیز تجربه کار دارد.

« ام البنین محمدی فلاح

با ۱۳ سال سابقه مربیگری پیش‌دبستان و ۱۰ سال تجربه معلمی پایه اول، در حال حاضر به عنوان کارشناس ارزیابی عملکرد مراکز کودکستان فعالیت می‌کند.

« زهرا یغمائی محرز

موسس و مربی شهرستان ملارد است و مدرک کارشناسی الهیات با گرایش علوم قرآنی و حدیث دارد و در حال حاضر از یک سابقه تدریس ۱۰ ساله برخوردار می‌باشد.



می‌کنم و با وجود اینکه سال‌هاست مشغول به کارم، مانند یک مربی تازه کار تشنه یادگیری مطالب به روز و جدید هستم.

محمدی فلاح: آخرین کارگاهی که برای مربیان برگزار شد اردیبهشت ماه با موضوع روانشناسی نوآموزان کودکان بود. حضور مربیان با سطح مهارت و دانش متفاوت در این گونه کارگاه‌ها باعث پویایی و تلاش بیشتر مربیان در جهت ارتقا و افزایش کیفیت آموزش‌ها خواهد بود.

● یک بسته آموزشی موفق که بتواند به مربی در پیش دبستان کمک کند از نظر شما باید چه ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی داشته باشد؟

جورابیان: یک بسته آموزشی مفید باید برای رشد همه جانبه ی کودک برنامه ریزی شده باشد به عنوان مثال باید حس دیداری شنیداری لامسه بویایی و چشایی را مد نظر قرار دهد.

یغمایی: جامع و کامل و جذاب باشد. نوآموزان به رنگ آمیزی و نقاشی بسیار علاقمند هستند.

بهرتر است آموزش مفاهیم توسط مربی محترم در قالب شعر و قصه انجام شود و برای تثبیت یادگیری کتابی جذاب در اختیار نوآموز باشد تا مطلب مربوط به آموزش را رنگ آمیزی کند.

محمدی فلاح: یک بسته آموزشی در کنار پرورش مهارت‌های هفت گانه دوره پیش دبستان بایستی باعث آموزش مهارت‌های اجتماعی و شهروندی در آن‌ها شده و آن‌ها را آماده نماید تا خلاقیت و طرز فکر بکر و بدون جهت دهی خود را رشد دهند.

● وجود یک کتاب و راهنما برای والدین کودکان پیش دبستان چه اندازه به مربی کمک می‌کند تا بتواند به اهداف خود در مسیر تربیت و یادگیری بهتر و بیشتر نزدیک شود. کمی در این رابطه توضیح بفرمایید.

جورابیان: والدینی که در منطقه ملارد با آن‌ها سرو کار دارم جزو افراد خیلی با سواد نیستند و تعداد فرزندانشان ۲الی ۳ نفر است و زیاد دوست ندارند خودشان هم در پیشرفت فرزندانشان مشارکت داشته باشند. ولی اگر سطح آگاهی والدین بالاتر باشد و علاقه نشان دهند بسیار عالی است. من چندین سال پیش تجربه کتاب والدین را داشتم ولی زیاد استقبال نشد.

مگر اینکه مربی جلساتی برای والدین بگذارد و آنان را توجیه کند که در این صورت سودمند خواهد بود. عموزاد خلیلی:

من اوایل سال به خانواده‌ها می‌گویم کمتر از یک‌ماه بهم زمان بدین و من سعی می‌کنم بچه‌های کلاس را شناسایی کنم.

سعی می‌کنم با یک روش برای همه، کلاس را پیش ببرم.

● کارگاه توانمندسازی مربیان که برای شما برگزار شد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جورابیان: خیلی خوب بود و حتما اثر زیادی در ذهن مربیان داشته است و بسیار مفید بود.

یغمایی: بنظر بنده کارگاه بسیار مفید بود و برگزاری چنین کارگاه‌هایی به مربیان عزیز یقیناً کمک خواهد کرد. چرا که مربیان با کتب تازه تألیف قوی آشنا خواهند شد. محمدی فلاح: جلسه با توجه به زمان اندکی که در اختیار استاد ناصری بود بسیار با ارزشمند و پر بار بود.

● آخرین بار که در یک کارگاه مرتبط با پیش دبستان حضور داشتید چه زمانی بود و به نظر خودتان تکرار این جلسات و کارگاه‌ها چه کمکی به افزایش دانایی و توانایی شما می‌کند؟

یغمایی: حدود چهار ماه پیش.

از قدیم الایام گفتن هر سری یک عقلی دارد و می‌توانیم از همکاران مطالب متفاوت یاد بگیریم.

ما همیشه با مربیان برای تبادل اطلاعات و اندیشه جلسه داریم و چقدر عالی‌تر همیشه که این جلسات مثل جلسه فوق با حضور کارشناس برگزار شود.

عموزاد خلیلی: در طول سال کارگاه برگزار می‌شود. ما که سابقه داریم، باز هم بنظر من نباید فکر کنیم همه چیز بلدیم، بلکه باید بروز رسانی بشویم.

با بچه‌های امروزی واقعاً کار کردن و کلاس‌داری سخت و زمان‌بر است.

اکثراً تک فرزند و خانواده‌ها نگران مربی هستند که چگونه با نوآموزان برخورد می‌کنند و هم نگران بچه‌ها از نظر آموزشی هستند.

جورابیان: تقریباً هر سال در این کارگاه‌ها شرکت

● مهمترین نکته‌ای که از صحبت‌های مدرس جلسه امروز

برای شما جالب بود و در ذهنتان ماندگار شد چیست؟
جورابیان: جناب استاد ناصری تمام مطالبشان مفید و ماندگار بود.

پروانه باها کردن از پيله بیرون میاد ولی هم قدرت پرواز ندارد و هم عمرش کوتاه‌تر است، نکته جالبی بود.
ما نباید عجله برای یادگیری مطالب زیاد با حجم بالا در ذهن کودک خردسال داشته باشیم، بلکه مانند یک باغبان باید مراقب این گل‌های زیبا باشیم و از کنار آن‌ها بودن لذت ببریم.

اگر هم آموزشی برای این نونهالان داریم حتما باید در ضمن بازی باشد و در زمان بسیار کوتاه. زیرا کودک زود خسته می‌شود.

مطلب دیگری که برام خیلی جالب بود این بود که کودک نیازی ندارد با پدر و مادر بازی کند نیاز دارد با کودکان هم سن خودش بازی کند.

مطلب مهمی دیگر فرایند تربیت مهم است، نتیجه‌اش مهم نیست. سرگرم شدن، لذت بردن و بازی کردن.

مطلب دیگر تکلیف مری از ابتدا تا انتهای سال معلوم باشد. تکلیف والدین هم معلوم باشد.

یغمایی: آموزش محتواهای مناسب نوزادان.
محمدی فلاح: نشان دادن اهمیت و ارزشمندی فعالیت و تلاش مربیان و تأثیر آن در سرنوشت نوزادان را به خوبی بیان فرمودند.

● بسته‌های تربیت و یادگیری که از پشتیبانی مربیان و والدین برخوردار هستند و به پرسش‌های آنان از طرق مختلف مانند وبگاه و کانال‌های شبکه‌های اجتماعی پاسخ می‌دهند چقدر می‌توانند به مربیان و خانواده‌ها در پیشبرد اهدافشان کمک کنند و موثر باشند؟

محمدی فلاح: وجود پشتیبان در بسته‌های آموزشی باعث رفع نقص‌های احتمالی، رفع کاستی‌ها و به روز رسانی محتوا بر اساس شرایط زندگی با دریافت بازخورد مربیان و اولیا خواهد شد.

جورابیان: بسیار مفید است اگر والدین هم بتوانند از طریق شبکه‌های اجتماعی به پرسش‌هایشان پاسخ داده شود.

البته الان چندین سال است که اولیا با مربیان بیشتر ارتباط دارند. اگر کارشناسان هم بتوانند مستقیماً با والدین در ارتباط باشند بسیار مفید است. من به سهم خودم از شما جناب آقای دیزجی و جناب آقای ناصری و جناب آقای شهابلو و سرکار خانم فلاح برای این کارگاه سپاسگزارم.

یغمایی: یقیناً بسیار زیاد.
عموزاد خلیلی: همه مربیان باید علاقه و انگیزه... داشته باشند و بعد به خودشان اجازه وارد شدن به کلاس را بدهند.

● از حضورتان در این گفت‌وگو سپاسگزاریم.

یک کودک لمسی

یک کودک کلامی

یک کودک باید از نزدیک بری، ارتباط برقرار کنی

یکی باید ارتباط چشمی باهاشون بگیریم.

کلاس پیش دبستانی نباید برنامه کلاسی داشته باشه ما باید طبق سلیقه بچه‌های کلاسمون، کلاس را پیش ببریم.

اجبار و تحمیل جواب نمیده نوآموز زده می‌شود.

یغمایی: کمک‌های شایان و بسیار مهم مخصوصاً برای والدینی که جوان‌تر و بی تجربه‌تر هستند.

با مطالعه کتاب راهنما شاید متوجه شود که مثلاً فلان مسیر تربیتی‌اش اشتباه بوده و با مطالعه و آگاهی مسیر بهتر و درست‌تر را جایگزین خواهد کرد.

محمدی فلاح: کتاب و راهنما برای والدین باعث می‌شوند نقشه راه و اهداف دوره پیش دبستان را بصورت شفاف و واضح جلوی چشم داشته باشند. و تفکر بی ارزش بودن و صرفاً آموزش شعر و قصه در دوره پیش دبستان را به سمت مهم بودن و ارزشمند و ضروری بودن این دوره سوق دهد.

● برخی تصور می‌کنند یک کتاب به تنهایی می‌تواند به مربیان در فعالیت‌های پیش دبستان کمک کند و نیازهای او را برآورده سازد. در حالی که بسته تربیت و یادگیری فقط کتاب نیست و در شرایط دنیای امروز باید مجهز به فیلم، کلیپ، صوت، قصه، شعر، داستان، انیمیشن و غیره باشد. نظر شما در مورد یک بسته تربیت و یادگیری پیش دبستان چیست؟

یغمایی: بله یقیناً همینطور است و علم معلمان و مربیان باید هر روز با دانش‌های روز دنیا در حال بروزرسانی شدن باشد.

جورابیان: من نظرم مثبت است. بسیار مهم است که یک مربی به روز باشد و اطلاعات بالا و مطالعات در مورد کودک داشته باشد و در قالب شعر، قصه، نمایش خلاق، فیلم، کلیپ و داستان بتواند آموزش دهد.

عموزاد خلیلی: دنیای بچه‌ها متفاوت است، نباید کاری انجام بدهیم که روحیه بچه‌ها آسیب ببیند.

من خودم تقریباً چند هفته اول، متوجه می‌شوم نوآموز از من مربی چی می‌خواهد.

معمولاً با خمیر بازی و نقاشی متوجه می‌شوم دنیای هر بچه چه چیزی است.

باید به بچه‌های کلاس استقلال بدهیم تا بتوانند شکوفا بشوند و بهتر و بیشتر با مربی ارتباط بگیرند. در این صورت است که مربی و کودک می‌توانند کلاس بهتری همراه با بازدهی بالا با هم داشته باشند.

محمدی فلاح: کتاب بیشتر جنبه ابزار تثبیت و ارزیابی آموخته‌ها به نوآموز را داشته و با توجه به دنیای اینترنت و رسانه‌های دیجیتالی استفاده از ابزارهایی دارای جذابیت، بستر ساز و تفکر ساز را اجتناب ناپذیر می‌نماید.